

بررسی جامعه شناختی میزان اعتماد بین شخصی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان

علی ربانی^۱، محمد عباس زاده^۲، علیرضا آقاجانی^{۳*}، زهرا ناجی^۴

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

اعتماد از عناصر اصلی روابط بین افراد است که به صورت‌های مختلف از دوران باستان تا دوران جدید همواره مطرح بوده است. امروزه در جوامع مختلف اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه شاهد گسترش ارتباطات هستیم و با توجه به فواصل زمانی و مکانی و این موضوع که توسعه ارتباطات، این فواصل را در نوردیده و به افراد و گروه‌های مختلف امکان برقراری روابط متقابل را داده، لزوم اعتماد و نیز پرداختن به ریشه‌ها و عوامل مؤثر بر آن بیش از پیش احساس می‌شود. یکی از موضوعات مهم در رابطه با اعتماد، بحث اعتماد بین شخصی است که در دوران مدرن به یکی از مسایل مهم اجتماعی تبدیل شده است. این پژوهش به بررسی اعتماد بین شخصی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان می‌پردازد. روش این پژوهش از نوع پیمایشی است و در آن از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده

است. شیوه گردآوری داده‌ها به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان بوده است. جمعیت مورد مطالعه ۱۱۹۸۷ نفر بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۲ نفر برای نمونه انتخاب گردیدند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان اعتماد بین شخصی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان چه در بعد اعتماد به هم‌جنس و چه در بعد اعتماد به غیرهم‌جنس در سطح متوسطی قرار دارد. نتایج حاصله بیان‌گر رابطه معنادار بین سرمایه فرهنگی، اعتماد بنیادین، نوع تعاملات (روابط اظهاری و ابزارای افراد)، منافع، احساس نیاز، منش و ظاهر، تجربه قبلی رابطه با جنس مخالف و تجربه شکست قبلی در رابطه با جنس مخالف با اعتماد بین شخصی بود. به طوری که مجموع این متغیرهای مستقل مورد استفاده، توانستند ۴۰ درصد از تغییرات واریانس اعتماد بین شخصی را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، سرمایه فرهنگی، احساس نیاز، تعاملات دانشجویان.

مقدمه و طرح مسأله

اعتماد اجتماعی، یکی از اساسی‌ترین مسایلی است که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند؛ بطوریکه اساساً هیچ‌گونه تعامل و رابطه انسانی را بدون اعتماد نمی‌توان تصور کرد. اعتماد، شاخصی از سرمایه اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند (کوک، ۲۰۰۱) و در تحقق نظم اجتماعی و نیز زندگی روزمره، عنصری ضروری و حیاتی بشمار می‌آید (چلبی، ۱۳۷۵). به علاوه، اعتماد اجتماعی می‌تواند به کاهش پیچیدگی جوامع مدرن کمک کند (لوهمان، ۱۹۷۹). در دنیای بدون اعتماد، زندگی سخت و نظم اجتماعی شکننده می‌شود. بدین سان، اعتماد و رابطه پیوند عمیقی با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که هیچ رابطه اجتماعی اساساً برقرار نمی‌شود، مگر آن‌که شرایط شکل‌گیری روابط اجتماعی بوجود آمده باشد. یکی از این شرایط، اعتماد متقابل میان افرادی است که می‌خواهند با هم وارد تعامل شوند. بدیهی است که در این صورت در هر جمعی، این ویژگی مفروض است، یعنی به همان صورت که اعتماد متقابل دچار نوسان و تغییر می‌شود، روابط اجتماعی هم دچار تحول و تغییر می‌گردد و ممکن است بر اثر کاهش شدید اعتماد متقابل میان اعضای یک

جمع، عملکرد افراد دچار نابسامانی و ناهماهنگی شود و یا حتی، آن جمع به نابودی کشیده شود (محمدی شکیبا، ۱۳۷۵: ۲۲). از این رو، اعتماد فیما بین نقش برجسته‌ای در تسهیل فرایندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این گونه تبادلات دارد و همچنین نقش بسیار مهم و اساسی را در نظام کلان جامعه ایفا می‌کند. در یک اجتماع سنتی کمتر تمایز یافته، اعتماد محدود به پیوندهای خانوادگی، خویشاوندی و محلی است. در حقیقت، اعتماد در این نوع اجتماعات، اعتماد خاص و محدود است. در مقابل در مناسبات اجتماعی جدید، در جوامعی که در آن تمایز اجتماعی به شدت گسترش یافته است نظم نوینی حاکم گردیده؛ نظمی که شالوده‌های آن متفاوت از نظم سنتی است. در چنین نظمی، اعتماد متقابل نیز بگونه‌ای دیگر است. در یک جامعه تمایز یافته، اعتماد افراد اولاً تنها محدود به خانواده، خویشاوندان و آشنایان و... نیست. ثانیاً اعتماد به چنین افرادی مانعی برای اعتماد به سایرین نیست. اساساً لازمه زندگی جمعی در اجتماعات تمایز یافته، اعتمادی از نوع عام و تعمیم یافته است (سینگلمن، ۱۹۹۸: ۳۹۱). گیدنز معتقد است که در این دوران اعتماد به اشخاص، متکی بر پیوندهای شخصی در چارچوب اجتماع محلی و شبکه خانوادگی نیست. اعتماد در یک سطح شخصی تبدیل به طرحی می‌شود که طرفین باید روی آن «کار کنند» و مستلزم باز بودن فرد به روی دیگران است. از نظر وی با ظهور مدرنیسم و جهانی شدن، خانواده دیگر یک واحد اقتصادی نیست بلکه مجموعه‌ای از پیوندهاست که بیشتر بر اساس ارتباط عاطفی شکل گرفته است. نقش زن و مرد که در گذشته ثابت و مشخص بود، دیگر ثابت نیست. گیدنز معتقد است که این مسأله واقعاً دگرگونی عظیمی است. به این معنا که در زندگی خانوادگی، در ازدواج و دیگر پیوندهای بین دو جنس و البته در روابط بین دو جنس، اینکه دو طرف چه می‌گویند و چگونه رفتار می‌کنند، بیشتر بستگی به توافق دارد (گیدنز، ۱۳۸۴).

با توجه به تحولاتی که در اثر ظهور مدرنیته صورت گرفت، در نگرش افراد نیز دگرگونی‌هایی پدید آمد. تغییر نگرش نسبت به روابط بین شخص و مخصوصاً روابط میان دو جنس از جمله تحولات قابل توجه در این دوران است. با تغییر معیارهای رفتار اجتماعی، حضور بیشتر زنان در اجتماع و دگرگونی در آموزش و اشتغال آنان، هنجارهایی که پیش از این الگوبخش تعاملات بین شخصی و تعاملات دو جنس بودند، کارایی پیشین خود را ندارند

و همراه با تحولات واقع در عرصه‌های اجتماعی، حوزه خصوصی افراد نیز دستخوش تغییر و تحول گردیده است. در این راستا مسأله اعتماد در تعاملات بین دو جنس به یک مسأله چالش برانگیز تبدیل شده است. با این وصف، این سوال مطرح می‌شود که با سست و کم رنگ شدن عوامل تنظیم کننده اعتماد نسبت به دوران گذشته؛ اعتماد در روابط بین شخصی چه شکلی به خود گرفته؟ آیا اعتماد در روابط بین اشخاص کاهش یافته است؟ و نهایتاً این که چه عواملی این مولفه را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ این مطالعه به بررسی اعتماد بین شخصی در روابط دانشجویان پرداخته و عوامل مؤثر بر آن را مد نظر قرار می‌دهد.

مروری بر مطالعات پیشین

نصر اصفهانی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی اعتماد به جنس مخالف در میان جوانان (۲۹-۱۵) ساله شهر تهران، به این نتایج رسید که متغیرهای احساس نیاز و تعهد در رابطه، پیوند و رابطه‌ای قوی با اعتماد به جنس مخالف دارد.

امیر کافی (۱۳۷۵) در پایان‌نامه خود که به صورت پیمایشی و با نمونه‌ای ۲۱۰ نفری از شهروندان (۲۰-۷۰ ساله) تهرانی به بررسی اعتماد بین شخصی پرداخته، دریافت متغیرهایی نظیر تعاملات اظهاری و سرمایه اجتماعی با اعتماد اجتماعی همبستگی معنادار و مثبتی داشته‌اند. پژوهش آزاد ارمکی و کمالی (۱۳۸۳) با عنوان اعتماد، اجتماع و جنسیت که با استفاده از روش پیمایشی و در سطح شهرهای ۲۸ استان کشور صورت گرفته نیز نشان داد میانگین اعتماد متقابل با تفاوت‌هایی جزئی در بین مردان اندکی بالاتر از زنان است.

عباس زاده (۱۳۸۳) نیز در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز به این نتیجه رسیده است که سهم عوامل فرهنگی و اجتماعی (پایبندی به نقش، امنیت اجتماعی، همکاری، سرمایه اجتماعی و تعاملات ابزاری) در اعتماد اجتماعی بیشتر از سایر عوامل بوده است.

نتایج تحقیق اجاقلو و زاهدی (۱۳۸۴) در بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان به روش پیمایشی نشان داد بین سنت‌گرایی و همچنین منطقه سکونت به عنوان یکی از ابعاد پایگاه اجتماعی و نیز بین تحصیلات و میزان مطالعه افراد با اعتماد اجتماعی

رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

روتنبرگ^۱ و همکاران (۲۰۰۲) تحقیقی با عنوان، رابطه میان تنهایی و اعتماد بین شخصی در طول اواسط کودکی انجام داده‌اند. محققان دریافته‌اند که در میان دو جنس، تنهایی همبستگی منفی با هر کدام از مقیاس باورهای اعتماد و رفتار اعتماد کننده دارد. همانطور که انتظار می‌رفت، رابطه میان تنهایی کودکان و اعتماد، مخصوصاً باورهای اعتماد در بین همسالان همجنس، در بین دختران قوی‌تر بود تا پسران. باورهای اعتماد در همسالان هم جنس پایین بود و رفتار اعتماد کننده و میزان اعتماد متقابل با همسالان در بین دختران پایین است که به طور آماری در تنهایی آنان سهمیم است. محققان دریافته‌اند که تنهایی در بزرگسالی رابطه منفی با باورها و رفتارهای اعتماد دارد.

وانگ^۲ و یاماگیشی^۳ (۲۰۰۵) پژوهشی با عنوان اعتماد مبتنی بر گروه و تفاوت‌های جنسیتی در چین انجام داده‌اند. این مطالعه به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه جنسیت روی اعتماد گروهی در چین تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان داد که مشارکت کنندگان مرد به طور معناداری بیشتر از زنان به همدستان ناآشنا اعتماد می‌کنند و میزان اعتماد آنها بیشتر است. به علاوه آنان دریافته‌اند که اعتماد بالای مردان مشارکت کننده به همدستان ناآشنا رابطه‌ای قوی با انتظار مقابله به مثل از همدستانشان دارد. در حالی که اعتماد پایین زنان به همدستان ناآشنا با ترس شدید از استثمار و بهره‌کشی از سوی همدستانشان مرتبط است.

آرت^۴ و روتنبرگ^۵ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان تحلیل اعتماد به همسالان در روابط اجتماعی کودکان در سال‌های اولیه مدرسه حدود ۲۰۵ کودک که در مدرسه ثبت نام کرده بودند را دو بار در یک سال مورد سنجش قرار دادند. نتایج نشان داد که کودکان ابعاد چند وجهی و پیچیده اعتماد را در روابط دو نفره از خود نشان می‌دهند که با روابط اجتماعی آنان مرتبط است.

1 Rotenberg

2 Wang

3 Yamagishi

4 R Bett

5 Rotenberg

زاک^۱ و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهشی با عنوان سنجش اعتماد در روابط صمیمانه و فرآیند ادراک خویشتن، زوج‌های ناهم‌جنس‌گرای دانش‌آموز در ملاقات‌های عاشقانه در دانشگاه آمریکا را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که افراد مورد مطالعه تحت شرایط خودآگاهی توسعه‌یافته، یا رفتارهای مبتنی بر اعتماد و یا رفتارهای بی‌ربط از خود نشان می‌دهند. سپس آنان پرسشنامه اعتماد بین شخصی را پر کردند، رفتارهای مبتنی بر اعتماد پاسخگویان به طور معناداری سطح اعتماد آنان را تعیین کرد.

بوتلر^۲ (۲۰۰۱) در تحقیق خود با عنوان عملکرد متقابل اعتماد دونفره در روابط نزدیک زن-مرد نشان می‌دهد که هم برای زنان و هم برای مردان، اعتماد به شریک تأثیر متقابل دارد، درک تمایل شریک برای کنترل دیگران تأثیر منفی روی اعتماد دارد و عزت نفس تأثیر مثبتی بر اعتماد دارد. موقعیت نکاحی و درک تمایل شریک برای کنترل شدن تأثیری بر اعتماد مردان به شریکشان نداشت، اما در اعتماد زنان نسبت به شریکانشان تأثیر منفی شدیدی داشت.

مبانی نظری و تجربی

با قدری تعمق و تفکر در آثار جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی با توجه به چرخش جامعه‌شناسی از مفاهیم سخت به سمت مفاهیم نرم (چرخش جامعه‌شناسی فرهنگ‌گرا) پرداختن به نظریات زیر در خصوص موضوع اعتماد ضروری است. ماکس وبر^۳ برای پرداختن به موضوع اعتماد، به بررسی رابطه اجتماعی می‌پردازد. رابطه اجتماعی تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی معنادار، رفتار خواهند کرد. بطور کلی از نظر وبر، پیش‌بینی‌پذیری رفتار فرد یکی از عوامل کلیدی در اعتماد کردن دیگران است (وبر، ۱۳۶۸). در تعبیر جورج هومنز^۴ از رفتار اجتماعی، در صورتی که فرد به پادشاه‌های مورد نظر دست نیابد، در او احساس بی‌اعتمادی و ناامیدی ایجاد می‌شود و حتی به واکنش‌های پرخاشگرانه نیز منجر خواهد شد (ریترز، ۱۳۸۶). طبق دیدگاه جانسون، برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، شخص باید

1 Zak

2 Butler

3 Max Weber

4 G Humans

بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که در نتیجه، ترس‌های خود و دیگری را از طرد شدن کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقا بخشد (جانسون، ۱۹۹۳).

کلمن^۱ معتقد است که در رابطه اعتماد حداقل دو طرف وجود دارند: اعتمادکننده و امین. از نظر کلمن تصمیم اعتمادکننده بالقوه همیشه مسأله برانگیز است. آنچه اغلب بیش از همه مهم است این است که امین ممکن است از اعتماد دیگران در آینده نفعی ببرد؛ خواه همان اعتمادکننده، خواه فرد دیگری که کنترل کنش‌هایش ممکن است به او انتقال یابد. بنابراین هرچه رابطه با اعتمادکننده طولانی‌تر و سودی که امین از آن رابطه توقع دارد بیشتر باشد، امین بیشتر قابل اعتماد خواهد بود (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۵۲). کلمن همچنین معتقد است که کنشگران گاهی نیاز شدیدی به اعتماد کردن دارند. نمونه این افراد، زنان و دختران تنهایی است که نیاز به مصاحبت دارند. در این صورت مردانی که به دست یافتن جنس مخالف خود علاقمندند، این‌گونه زنان را افرادی کاملاً آسیب‌پذیر می‌شناسند، دقیقاً به این علت که نیاز این زنان به اعتماد کردن بسیار زیاد است (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۶۹).

به باور گیدنز^۲ با رشد نهادهای اجتماعی مدرن، میان اعتماد و مخاطره، نوعی تعادل برقرار شده، اما عناصر عمده دخیل در این قضیه با عناصر حاکم بر عصر پیش از مدرن بسیار تفاوت دارند. در این دوران، اعتماد به اشخاص، متکی بر پیوندهای شخصی در چهارچوب اجتماع محلی و شبکه‌ای خانوادگی نیست. اعتماد در یک سطح شخصی تبدیل به طرحی می‌شود که طرفین باید روی آن «کار کنند» و مستلزم باز بودن فرد به روی دیگران است. در اینجا اعتماد را نمی‌توان با اصول ثابت هنجار بخش در اختیار داشت، آن را باید جلب کرد و وسیله این کار نشان دادن محبت و سعه صدر است. بدین سان اعتماد شخصی باید از طریق خودکامی برقرار گردد؛ بنابراین کشف خود هر شخص تبدیل به طرحی می‌شود که ارتباط مستقیم با بازاندیشی دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۳-۱۴۶).

آنچه به نوعی در اعتماد مطرح می‌شود، تعاملات اجتماعی است. چلبی از لحاظ تحلیلی تعامل بالقوه را دارای دو وجه عمده می‌داند: یکی وجه ابزاری و دیگری اظهاری. وی در

1 Colman

2 Giddens

تعریف روابط ابزاری می‌نویسد: «روابط ابزاری خود هدف نیست بلکه وسیله و محملی است برای ردوبدل کردن چیزی و یا کسب هدفی خاص». نوعاً این گونه روابط سرد، ویژه و از صمیمیت مبرا است. روابط نقدی، مبادله‌ای، پیمانی و غیره از مصادیق تجربه این نوع رابطه هستند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۹). اما آنچه افراد را به هم پیوند می‌دهد و باعث تکرار و دوام و متشکل شدن تعاملات می‌گردد، بعد اظهاری تعامل است. در بعد اظهاری، تعامل فرد حائز ارزش درونی یا مصرفی است. به عبارتی تعامل هدف است و نه وسیله. از طریق تعامل اظهاری است که «ما»^۱ یا «اجتماع»^۲ یا «گروه اجتماعی»^۳ شکل می‌گیرد. همچنین در رابطه اظهاری نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد وجود دارد (چلبی، ۱۳۷۵).

از نظر زتومکا^۴ اعتماد پیوند عمیقی با مخاطره دارد. اعتماد راه حلی برای مسائل ویژه مربوط به مخاطره است. زتومکا معتقد است در کنار فرهنگ اعتماد (نظامی از قواعد، هنجارها و ارزش‌ها که تنظیم‌کننده‌ی اعطاء و دریافت اعتماد و نیز اعتماد مجدد و متقابل می‌باشد)، در سطح عاملیتی باید به ویژگی‌های شخصیتی کنشگران نیز توجه کرد. همچنین از نظر وی، در کنار عوامل ساختاری و عاملیتی برای بسط و نهادی شدن فرهنگ اعتماد، دسترسی و داشتن میزان مشخصی از منابع مورد نیاز است؛ این منابع عبارتند از: موقعیت طبقاتی، داشتن شغل خوب و ایمن، کثرت و تعدد نقش‌های اجتماعی که افراد ایفا می‌کنند، داشتن قدرت آموزش، شبکه‌های اعتماد، خانواده خوش‌بینه و باور مذهبی (زتومکا، ۱۳۸۶).

چارچوب نظری

برای احتراز تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه، چارچوب نظری این پژوهش، تلفیقی از نظریه‌های گیدنز، کلمن، زتومکا، چلبی، وبر، هومنز، گافمن و بوردیو را شامل می‌شود.

1 We

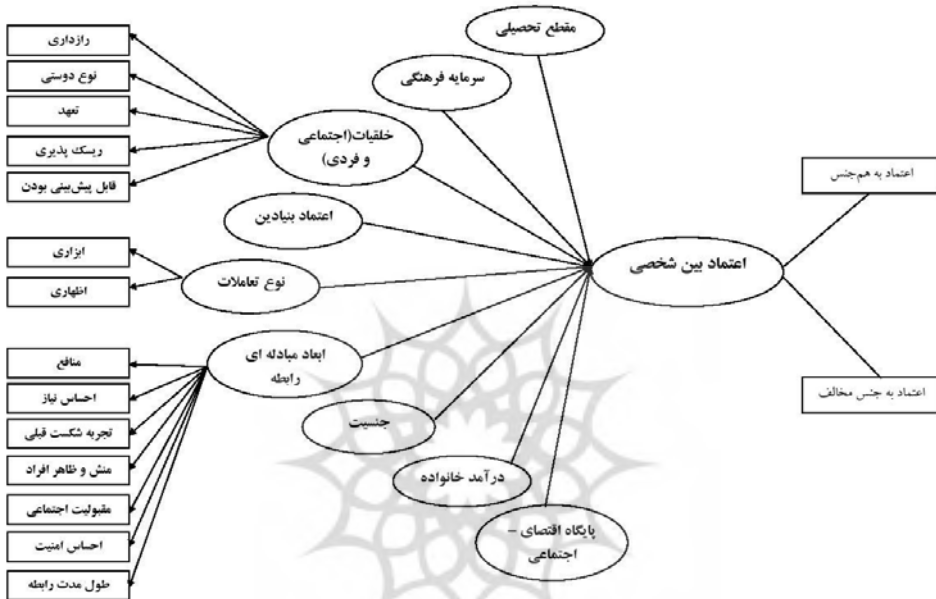
2 Community

3 Social Group

4 Putr Sztompka

مدل فرضی

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و چارچوب نظری پژوهش، مدل زیر شامل متغیرهای مؤثر بر اعتماد بین شخصی ارایه می شود.



شکل (۱) عوامل مؤثر بر اعتماد بین شخصی

فرضیه های اصلی پژوهش

- الف) به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی و اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.
- ب) به نظر می رسد بین اعتماد بنیادین و اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.
- ج) به نظر می رسد بین نوع تعاملات و اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.
- د) به نظر می رسد بین ابعاد مبادله ای رابطه و اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.
- ه) به نظر می رسد بین خلفیات (اجتماعی و فردی) و اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق مور استفاده به لحاظ محتوای کاری، پیمایشی است. همچنین ابزار اندازه-گیری، پرسش نامه محقق ساخته بوده است که برای بررسی اعتبار آن از اعتبار صوری و برای بررسی پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهند که ضرایب پایایی به تفکیک سازه‌های مورد بررسی در حد قابل قبولی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۹۰ به تعداد، ۱۱۹۷۸ نفر می‌باشد که تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۳۷۲ نفر برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری نیز طبقه‌ای تصادفی بوده است.

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

- سرمایه فرهنگی

از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه صورت تجلی می‌یابد: (۱) سرمایه فرهنگی تجسم یافته: (نوعی ثروت بیرونی است که بعنوان بخش جدایی ناپذیری از فرد در آمده است). (۲) سرمایه فرهنگی عینیت یافته: (مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه) (۳) سرمایه فرهنگی نهادی شده: (مدارک تحصیلی و آکادمیک) (شارع پور، ۱۳۸۱). برای سنجش متغیر فوق، شاخص‌های دو گانه؛ میزان علائق فرهنگی و میزان اطلاعات فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته شده است.

- اعتماد بنیادین

به اعتقاد گیدنز، اعتماد بنیادین، اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۲). متغیر فوق، با توجه به شاخص‌های اعتماد به جهان و اعتماد به نوع بشر عملیاتی شده و مورد سنجش قرار گرفته شده است.

- نوع تعامل افراد (اظهاری و ابزاری)

چلیبی رابطه ابزاری را رابطه‌ای می‌داند که خود هدف نیست بلکه وسیله و محملی است برای ردوبدل کردن چیزی و یا کسب هدفی خاص است» اینگونه رابطه سرد و ویژه است و از

صمیمیت مبرا است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۹). برخلاف رابطه ابزاری، رابطه اظهاری خود فی نفسه هدف است. این گونه رابطه گرم و انتشاری است. شاخص سازی و سنجش این دو نوع رابطه به قرار زیر است:

تعامل ابزاری: (تعامل بر اساس منافع شخصی) و تعامل اظهاری: (روابط گرم دوستانه و صمیمیت آمیز و توأم با دگرخواهی).

- ابعاد مبادله‌ای رابطه

این عامل پهنه وسیعی از متغیرها را در بر دارد. برای سنجش سازه فوق، از مهمترین شاخص‌های مربوطه استفاده شده است که به این قرارند:

متغیر منافع افراد (رابطه و تعامل با افراد بر پایه سود و منفعت شخصی و عاری از هرگونه رضایت‌مندی دیگران)، متغیر تجربه مثبت قلبی (احساس رضایت از تجربه قلبی رابطه با جنس مخالف)، متغیر احساس نیاز (احساس نیاز در سه بعد عاطفی، جنسی و مقایسه اجتماعی نسبت به جنس مخالف)، متغیر منش و ظاهر افراد (خوش تیپ بودن، ظاهری آراسته داشتن و مهربان و خوش خلق بودن)، متغیر مقبولیت اجتماعی (شهرت فرد، گذشته شرافتمندانه فرد و ثبات و پایداری در رفتار فرد)، متغیر احساس امنیت (احساس امنیت از طرف جامعه و احساس امنیت از طرف افراد) و متغیر طول مدت رابطه (مدت زمان رابطه با فرد).

- خلیات اجتماعی و فردی

این عامل شامل پنج متغیر است. برای سنجش سازه فوق، از مهمترین شاخص‌های مربوطه استفاده شده است که به این قرارند:

متغیر رازداری (راز دار بودن و بازگو نکردن حرف‌ها و مسائل شخصی دیگران)، متغیر نوع دوستی (کمک به انسان‌های دیگر و ادای محبت و احترام فارغ از هرگونه نگاه نژاد پرستانه)، متغیر تعهد افراد (تعهد و احترام به قوانین در جامعه و تعهد به فرد در رابطه)، متغیر ریسک-پذیری (ریسک‌پذیر بودن فرد در رابطه با دیگران و محتاط نبودن فرد در رابطه) و متغیر قابل پیش‌بینی بودن رفتار (اعتماد به وعده‌ها و رفتارها و حرف‌های دیگران).

– اعتماد بین شخصی

در پژوهش حاضر اعتماد بین شخصی در دو بعد اعتماد به همجنس و اعتماد به غیر همجنس و با توجه به نظریات جانسون در مورد اعتماد بین شخصی و با توجه به پیشینه پژوهشی چلبی و امیرکافی و اجاقلو و زاهدی با ۵ معرف، صداقت، صراحت، سهیم کردن، تمایلات همکاری جویانه و اطمینان مورد سنجش قرار گرفته شده است.

یافته‌ها

در بخش آمار توصیفی مشخص شد که ۵۰٪ پاسخگویان را مردان و ۵۰٪ آنها را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سن پاسخگویان ۲۳/۰۹ سال است. جوانترین فرد در میان پاسخگویان با ۱۸ سال سن و مسن‌ترین فرد با ۳۲ سال سن و دامنه سنی نیز ۱۴ سال است. دامنه درآمد خانواده پاسخگویان در گروه نمونه، بین ۱۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیون تومان می‌باشد؛ به عبارتی حداقل درآمد خانواده پاسخگویان ۱۰۰ هزار تومان و حداکثر آن ۳ میلیون تومان می‌باشد. میانگین درآمد خانواده پاسخگویان ۷۶۰۰۰۰ تومان بود.

مهمترین بخش توصیفی پژوهش سنجش میزان اعتماد بین شخصی در بعد اعتماد به هم-جنس و اعتماد به غیر همجنس در بین دانشجویان بود که حاوی نتایج زیر است:

دامنه میزان اعتماد بین شخصی در گروه نمونه، بین مقدار ۱/۷۳ تا مقدار ۴/۸۳ در نوسان بود؛ به عبارتی نمره فردی که کمترین میزان اعتماد را به دیگران داشت، ۱/۷۳ و فردی که بیشترین اعتماد را به دیگران داشت، نمره اش ۴/۸۳ است. میانگین اعتماد بین شخصی پاسخگویان مقدار ۳/۰۵ بود. اعتماد بین شخصی حدود ۶۶٪ از دانشجویان در سطح متوسط قرار داشت. حدود ۵٪ افراد، اعتمادشان به دیگران کم و ۷٪ افراد دارای اعتماد بین شخصی زیادی نسبت به دیگران بودند. بنابراین همانطور که از داده‌های بالا مشهود است، اعتماد بین شخصی در سطح متوسطی در بین افراد برقرار بوده است. در رابطه با اعتماد به غیر همجنس، میانگین اعتماد دانشجویان پسر به دختر ۳/۰۴ بود. حدود ۵۸٪ از دانشجویان پسر اعتماد متوسطی به دانشجویان دختر داشتند، حدود ۱۳٪ از آنان اعتماد کمی به دختران دارند و حدود ۱۷٪ آنان دارای اعتماد زیادی نسبت به دختران هستند. در رابطه با اعتماد دانشجویان دختر به پسر،

میانگین اعتماد دانشجویان دختر به پسر ۲/۸۶ بود. ۵۷٪ از دانشجویان دختر اعتماد متوسطی به دانشجویان پسر داشتند، حدود ۱۸٪ از آنان اعتماد کمی به پسران دارند و حدود ۸٪ آنان دارای اعتماد زیادی نسبت به دختران هستند. همانطور که از آمار بالا مشهود است میزان اعتماد به غیر هم جنس نیز در بین دختران و پسران دانشجو در سطح متوسطی قرار دارد. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است، اینست که میزان اعتماد دختران به پسران دانشجو اندکی کمتر از میزان اعتماد پسران به دختران دانشجو است (۱۸٪ اعتماد کم دختران در مقابل ۱۳٪ اعتماد کم پسران). این وضعیت را نیز تا حدودی می‌توان عادی دانست، چرا که دختران در وضعیت و موقعیت حساس تری نسبت به پسران قرار دارند و همچنین شرایط و زمینه‌های اجتماعی نیز چنین وضعیتی را برای دختران و نگرش آنها ایجاد کرده است. در رابطه با اعتماد به هم جنس نیز، میانگین اعتماد دانشجویان پسر به هم جنس خود ۳/۱۵ بود. حدود ۶۴٪ از دانشجویان پسر اعتماد در سطح متوسطی نسبت به هم جنس خود داشتند و تنها حدود ۸٪ از آنان اعتماد کمی به هم جنس خود داشتند. همچنین حدود ۱۶٪ از دانشجویان پسر نیز اعتماد زیادی به هم جنس خود داشتند. همچنین در رابطه با اعتماد دانشجویان دختر به هم جنس خود نیز، میانگین اعتماد دانشجویان دختر به هم جنس خود ۳/۲۱ بود. حدود ۵۷٪ از دانشجویان دختر اعتماد در سطح متوسطی نسبت به هم جنس خود داشته و تنها حدود ۶٪ از آنان اعتماد کمی به هم جنس خود داشتند. همچنین حدود ۱۸٪ از دانشجویان دختر نیز اعتماد زیادی به هم جنس خود داشتند. همانطور که مشهود است، در رابطه با اعتماد به هم جنس نیز، اعتماد هر دو گروه در سطح متوسطی قرار دارد.

در بخش تحلیل استنباطی داده‌ها نتایج به شرح زیر است:

- در آزمون فرضیه اول مشخص شد که رابطه معنی‌داری بین سرمایه فرهنگی و اعتماد بین شخصی وجود دارد. به این معنا که هرچه سرمایه فرهنگی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد بین شخصی نیز بیشتر می‌شود. به این ترتیب با افزایش میزان سرمایه فرهنگی افراد هم اعتماد به هم جنس و هم اعتماد به جنس مخالف در بین آنان افزایش می‌یابد. این نتیجه مطابق با نظریه بوردیو است که معتقد است، ایجاد موقعیت‌ها و برقراری روابط صحیح و طرق خاصی که افراد در کنش‌های متقابل به کار می‌گیرند همگی تجلی سرمایه اجتماعی است و دسترسی به سرمایه

اجتماعی برای بیشتر مردم به میزان‌های بیشتر سرمایه اقتصادی و فرهنگی ارتباط دارد که آنها را در کسب آگاهی و روابط بیشتر کمک می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که افراد با سرمایه فرهنگی بیشتر، به میزان بیشتری نیز با دیگران (بخصوص با قشر فرهنگی) در ارتباط بوده و به همین دلیل از میزان بالاتری از اعتماد نیز برخوردارند.

- در آزمون فرضیه دوم مشخص شد که رابطه معنی‌داری بین اعتماد بنیادین افراد و اعتماد بین شخصی وجود دارد. به این معنا که، هرچه میزان اعتماد بنیادی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد بین شخصی نیز بیشتر می‌شود. همچنین با افزایش اعتماد بنیادی میزان اعتماد افراد به هم-جنس خود نیز افزایش می‌یابد. در رابطه با اعتماد به جنس مخالف رابطه معناداری بین دو متغیر مذکور وجود نداشت. اعتماد بنیادین متغیری است که گیدنز آنرا مطرح نموده است و معتقد است در عرصه پر مخاطره دنیای مدرن نقشی اساسی در اعتماد فرد به دیگران دارد. به اعتقاد گیدنز، اعتماد بنیادین، اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد. در این پژوهش نیز اعتماد بنیادین بر طبق نظریه گیدنز، رابطه‌ای معنادار با اعتماد بین شخصی داشت. بنابراین افرادی که از کودکی دارای اعتماد بنیادین بودند، این اعتماد در سنین بزرگسالی نیز در وجود آنان بوده و نسبت به دیگران دارای اعتماد معنی‌داری بوده‌اند.

- در آزمون فرضیه سوم مشخص شد که رابطه معنی‌داری بین نوع تعاملات (رابطه اظهاری و ابزاری) و اعتماد بین شخصی وجود دارد. به این معنا که، هرچه روابط اظهاری افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد بین شخصی نیز بیشتر می‌شود و هرچه روابط ابزاری افراد نیز بیشتر باشد، میزان اعتماد بین شخصی نیز در افراد بیشتر می‌شود. این نتایج مطابق با نظریات چلبی است، چرا که اعتماد اجتماعی در بحث چلبی در دو شکل متفاوت مطرح شده است، اعتماد میان‌فردی که مختص جامعه سنتی است و با روابط و خصایص نظم اجتماعی حاکم بر این نوع از جوامع که چلبی آنها را اجتماع طبیعی می‌نامد همخوانی دارد. در چنین شرایطی روابط اجتماعی از نوع اظهاری و سوگیری‌های ارزشی از نوع خاص گرایانه است و در نتیجه وابستگی عاطفی و به دنبال آن اعتماد متوجه افراد انضمامی است. شکل دوم اعتماد در بحث چلبی اعتماد تعمیم‌یافته یا عام است که مختص جوامع مدرن و یا به قول چلبی اجتماع جامعه‌ای است. در چنین جوامعی

روابط ابزاری گسترده‌تری دارند و افراد بر مبنای هنجارهای عام عمل می‌کنند؛ در نتیجه وابستگی عاطفی و به دنبال آن اعتماد اجتماعی از محدوده افراد انضمامی به انسان انتزاعی گسترش می‌یابد. این نتایج همسو با پژوهش امیرکافی (۱۳۷۵) و همچنین عباس‌زاده (۱۳۸۳) و نهایتاً پژوهش فاطمه نصر اصفهانی (۱۳۸۸) است.

- آزمون فرضیه چهارم در رابطه با ابعاد مبادله‌ای رابطه و اعتماد بین شخصی بود. اولین متغیر ابعاد مبادله‌ای، منافع افراد بود که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی داشت. به این معنا که، هرچه افراد به منافع خود بیشتر اهمیت دهند، میزان اعتماد بین شخصی نیز در بین آنان بیشتر می‌شود. این نتیجه منطبق با نظریه کلمن است. وی نظریه انتخاب عقلانی را در تبیین رفتارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و رفتارهای دیگر مطرح می‌کند. به این معنا که، افراد آن کنش‌هایی را انتخاب می‌کنند که با در نظر گرفتن سود و زیان آنها فایده یا سودمندی شان را به حداکثر می‌رسانند. وی معتقد است که در رابطه اعتماد حداقل دوطرف وجود دارند: اعتمادکننده و امین؛ و فرض را بر این می‌گیرد که هدف هر دو تأمین منافع شان است.

دومین متغیر ابعاد مبادله‌ای رابطه، شکست در تجربه قبلی بود که رابطه منفی و معناداری با اعتماد بین شخصی داشت. به این معنا که افرادی که تجربه شکست قبلی در رابطه با جنس مخالف داشته‌اند میزان اعتماد بین شخصی کمتری خواهند داشت و برعکس. این نتیجه منطبق با قضایای هومنز است که به عقیده وی، در مورد همه اعمالی که اشخاص انجام می‌دهند، غالباً این گونه است که هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد یا اینکه هرچه یک شخص در گذشته موفقیت بیشتری کسب کرده باشد، احتمال تکرار همان عمل در آینده بیشتر است.

سومین متغیر ابعاد مبادله‌ای رابطه، احساس نیاز بود که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی داشت. به این معنی که هرچه میزان احساس نیاز بیشتر باشد، میزان اعتماد بین شخصی نیز در افراد بیشتر می‌شود. این نتیجه منطبق بر نظر کلمن است، چرا که وی معتقد است کنشگران گاهی نیاز شدیدی به اعتماد کردن دارند. نمونه این افراد، زنان و دختران تنهایی است که نیاز به مصاحبت دارند. در این صورت مردانی که علاقمند به دست یافتن جنس مخالف خود هستند، اینگونه زنان را افرادی کاملاً آسیب‌پذیر می‌شناسند، دقیقاً به این علت که نیاز این زنان

به اعتماد کردن بسیار زیاد است. نصر اصفهانی (۱۳۸۸) نیز در پایان‌نامه خود به این نتیجه دست یافته است.

چهارمین متغیر ابعاد مبادله‌ای رابطه، ظاهر و منش افراد بود که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی داشت. به این معنی هرچه افراد ظاهر و قیافه و منش بهتری داشته باشند، میزان اعتماد بین شخصی نیز در بین آنان بیشتر می‌شود. این نتیجه منطبق بر نظریات زتومکا و گافمن می‌باشد. زتومکا سه مبنای قابلیت اعتماد اولیه را شهرت، عملکرد و ظاهر می‌داند. یکی از موارد مهمی که وی بیان می‌کند ظاهر و طرز رفتار است. وی معتقد است ما با نگاه به برخی از افراد آنها را قابل اعتماد و برخی دیگر را مضنون می‌پنداریم. این بستگی به بسیاری از ویژگی‌های بیرونی چون چهره، زبان بدن، آهنگ صدا، تبسم بر لب داشتن، مدل مو، لباس، و ... دارد. برخی از این ویژگی‌های زیباشناختی ممکن است پاداش‌کننده یا طرد‌کننده باشند و اعتماد و بی‌اعتمادی عاطفی را موجب شوند. همچنین گافمن اعتماد در عرصه کنش متقابل را مستلزم: محیط فیزیکی، جنبه شخصی شامل؛ قیافه و ظاهر ایفاگر نقش و رفتار یا منش (مهربان یا خشن) می‌داند که معمولاً زمینه‌های آشنا و مستلزم طرز برخورد و ظاهر افراد است.

پنجمین متغیر ابعاد مبادله‌ای رابطه، مقبولیت اجتماعی بود که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین مقبولیت اجتماعی در میزان اعتماد بین شخصی افراد نقشی ندارد. مقبولیت اجتماعی نیز متغیری بود که از نظریه زتومکا اخذ شده بود، ولی در این جامعه آماری کاربردی نداشت.

ششمین متغیر ابعاد مبادله‌ای رابطه، احساس امنیت بود که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین احساس امنیت در میزان اعتماد بین شخصی افراد نقشی ندارد. در تبیین این قضیه می‌توان چنین استدلال کرد که با توجه به سرعت تحولات و تغییرات روز به روز در عرصه‌های مختلف در جامعه و با توجه به بحران‌هایی که در چند سال اخیر در کشور شاهد آن بوده‌ایم، احساس امنیت عمومی یا به عبارت دیگر امنیت وجودی افراد در کشور دارای ثبات قابل ملاحظه‌ای نیست.

هفتمین متغیر ابعاد مبادله‌ای رابطه، طول مدت رابطه بود که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین می‌توان گفت با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از این پژوهش، طول

مدت رابطه با جنس مخالف در میزان اعتماد بین شخصی افراد تأثیری نداشت.

- آزمون فرضیه پنجم در رابطه با خلیقات اجتماعی و فردی و اعتماد بین شخصی بود. اولین متغیر خلیقات اجتماعی و فردی، رازداری افراد بود که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین رازداری در میزان اعتماد بین شخصی افراد نقشی ندارد.

دومین متغیر خلیقات اجتماعی و فردی، نوع دوستی بود که این متغیر نیز هیچ رابطه‌ای با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین نوع دوستی در میزان اعتماد بین شخصی افراد نقشی ندارد.

سومین متغیر خلیقات اجتماعی و فردی، احساس تعهد افراد بود که این متغیر نیز هیچ رابطه‌ای با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین احساس تعهد در میزان اعتماد بین شخصی افراد نقشی ندارد. این امر را می‌توان چنین تبیین نمود که با توجه به فراز و نشیب مسأله اعتماد در جامعه و با توجه به روند نزولی اعتماد در سطح کلان و خرد، این امر احساس تعهد افراد را نیز تحت تأثیر قرار داده و افراد نیز نسبت به دیگران دارای تعهد معنی‌داری نیستند.

چهارمین متغیر خلیقات اجتماعی و فردی، ریسک‌پذیری بود که این متغیر نیز هیچ رابطه‌ای با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین ریسک‌پذیری در میزان اعتماد بین شخصی افراد نقشی ندارد.

پنجمین متغیر خلیقات اجتماعی و فردی، قابل‌پیش‌بینی بودن رفتار بود که این متغیر نیز هیچ رابطه‌ای با اعتماد بین شخصی نداشت. بنابراین قابل‌پیش‌بینی بودن رفتار در میزان اعتماد بین شخصی افراد نقشی ندارد.

- در آزمون متغیرهای زمینه‌ای و جانبی تحقیق نیز مشخص شد که رابطه معنی‌دار بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و اعتماد بین شخصی وجود ندارد. در پایان نامه نصر اصفهانی (۱۳۸۸) متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی با اعتماد عام دارای رابطه معنی‌دار بوده، ولی با اعتماد بین شخصی رابطه‌ای نداشته است. در تبیین این امر می‌توان چنین استدلال نمود که در ایران با توجه به وضعیت بازار کار و مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، افرادی که تحصیلات بالاتری را طی می‌کنند و به پایگاه بالاتری نائل می‌شوند، چون امکان ورود آنان به بازار کار و برخوردار بودن از یک شغل مهیا نیست، بنابراین دچار نوعی بی‌اعتمادی در جامعه و در بین افراد می‌شوند و بنابراین تفاوتی در اعتماد کسانی که پایگاه بالاتری دارند و کسانی

که پایگاه پایین تری دارند، وجود ندارد. همچنین آزمون رابطه بین درآمد خانواده افراد و میزان اعتماد بین شخصی نشان داد که، بین این دو متغیر رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به این معنا که، هر چه درآمد خانواده بیشتر باشد، میزان اعتماد بین شخصی در افراد کمتر می شود و بالعکس.

همچنین بین جنسیت افراد و اعتماد بین شخصی آنان رابطه ای وجود ندارد و اعتماد هر دو جنس در حد متوسط ارزیابی می شود. این یافته در پژوهش های پیشین از جمله؛ پژوهش آزاد ارمکی (۱۳۸۲)، نصر اصفهانی (۱۳۸۸)، صادقی ده چشمه (۱۳۸۸) نیز به دست آمده است. در تحلیل رگرسیونی (جدول ۱)، متغیرهای درآمد خانواده، روابط اظهاری، روابط ابزاری، سرمایه فرهنگی، اعتماد بنیادی، منافع، احساس نیاز، ظاهر، تجربه قبلی رابطه با جنس مخالف و تجربه شکست قبلی در رابطه با جنس مخالف که رابطه معناداری با اعتماد بین شخصی داشتند، مورد مطالعه قرار گرفتند. در تحلیل رگرسیونی از بین این متغیرها در طی ۶ مرحله، به ترتیب متغیرهای منافع، روابط اظهاری، شکست قبلی، درآمد، ابزاری و اعتماد بنیادی وارد معادله رگرسیون شدند که در مجموع توانستند ۴۰ درصد از تغییرات واریانس اعتماد بین شخصی را تبیین کنند.

جدول (۱) نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه های تحقیق

سطح معناداری	F	خطای استاندارد	R^2 تعدیل یافته	R^2	R	
۰/۰۰۰	۲۰/۴۴	۰/۳۱۳	۰/۳۹	۰/۴۱	۰/۶۴	گام نهایی: منافع، رابطه- اظهاری، شکست قبلی، درآمد، رابطه ابزاری، اعتماد بنیادی

در نهایت آماره های هم خطی موجود در جدول (۲)، یعنی عامل تورم واریانس (VIF) و Tolerance میزان هم پوشانی متغیرهای مستقل را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود، مقدار عامل تورم واریانس (VIF) در همه متغیرها از ۲/۵ کمتر می باشد و همچنین مقدار Tolerance نیز در همه متغیرها از ۰/۴ بیشتر می باشد. بنابراین متغیرهای مستقل فاقد هم پوشانی

هستند و معادله خط ارایه شده دارای اعتبار لازم است.

جدول (۲) ضرایب رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای مستقل تحقیق

آماره‌های هم خطی		سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
VIF	Tolerance			Beta	خطای استاندارد	B	
		۰/۰۰۰	۸/۱۱		۰/۲۲۲	۱/۸۰	مقدار ثابت
۱/۳۸۸	۰/۷۲۰	۰/۰۰۰	۴/۲۴	۰/۲۸۹	۰/۰۳۰	۰/۱۲۸	منافع
۱/۰۹۱	۰/۹۱۶	۰/۰۰۰	۳/۸۹	۰/۲۳۵	۰/۰۳۵	۰/۱۳۸	اظهاری
۱/۰۷۱	۰/۹۳۴	۰/۰۰۰	-۴/۲۷	-۰/۲۵۵	۰/۰۲۴	-۰/۱۰۲	شکست قبلی
۱/۰۱۱	۰/۹۸۹	۰/۰۰۲	-۳/۰۷	-۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	-۹/۳۱	درآمد
۱/۵۵۶	۰/۶۴۳	۰/۰۰۱	۳/۴۷	۰/۲۵۱	۰/۰۴۱	۰/۱۴۱	ابزاری
۱/۱۸۵	۰/۸۴۴	۰/۰۱۱	۲/۵۸	۰/۱۶۲	۰/۰۴۲	۰/۱۰۸	اعتماد بنیادی

گام
آخر:

باتوجه به یافته‌های پژوهش در جدول زیر کاربردی بودن یا کاربردی نبودن تئوری‌های تحقیق را نشان می‌دهیم.

جدول (۳) نمایش نظریه‌های کاربردی در نمونه مطالعه شده

وضعیت کاربردی در نمونه مطالعه شده	متغیر یا متغیرهای استخراج شده	نظریات
کاربردی	سرمایه فرهنگی	بورديو
کاربردی	اعتماد بنیادین	گیدنز
کاربردی	منافع افراد، احساس نیاز	کلمن
کاربردی	ظاهر و منش	زنومکا و گافمن
کاربردی	تجربه شکست قبلی و همچنین تجربه قبلی	هومنز
کاربردی	نوع تعاملات (اظهاری و ابزاری)	چلبی
غیر کاربردی	پیش‌بینی پذیری رفتار	وبر
غیر کاربردی	احساس امنیت، احساس تعهد (گیدنز و چلبی)	گیدنز
غیر کاربردی	طول مدت رابطه، ریسک پذیری	کلمن

غیر کاربردی	مقبولیت اجتماعی، جنسیت، ریسک پذیری	ز تومکا
غیر کاربردی	رازداری و نوع دوستی	-
غیر کاربردی	دینداری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی	-
کاربردی	درآمد خانواده	-

با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش و گسترده‌گی موضوع آن، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود.

۱- با توجه به تغییرات فرهنگی و نگرشی که در کشور در حال وقوع است، باید به جوانان و بخصوص رابط بین دو جنس با نگرش نویی نگریسته شود. یعنی با توجه به تغییر نگرشی در حال وقوع در بین دختران و پسران، پیشنهاد می‌شود مهارت‌های ارتباطی بین دو جنس از سنین پایین و بخصوص کتاب‌های دوره ابتدایی آموزش داده شود.

۲- با توجه به اینکه رعایت اصول صداقت، وفای به عهد و عدم تملق و چاپلوسی از مهمترین عوامل افزایش اعتماد اجتماعی است و همچنین این عوامل از مهمترین عوامل افزایش اعتماد بین دو جنس است؛ بنابراین از دانشجویان انتظار می‌رود، مقوله‌های مهم هنجاری را رعایت کنند.

۳- یکی از مشکلاتی که در این راستا وجود دارد، افزایش کنش ابزاری در بین افراد است. بنابراین برای مرتفع کردن مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، کار فرهنگی لازم است تا این کنش‌ها به سمت کنش‌های اظهاری سوق کند.

۴- با توجه به اینکه یکی از عوامل تاثیرگذار بر اعتماد بین شخصی افراد، عوامل کلان بخصوص عوامل سیاسی است، بنابراین نهادهای رسمی چون قوه مجریه و ... با عملکرد مطلوب یا نامطلوب خود می‌توانند، باعث افزایش یا کاهش اعتماد در بین افراد شوند.

۵- نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد دختران نسبت به پسران در سطح پایین تری قرار دارد. برای حل این مسأله، نیاز به تغییرات اساسی در سیستم فرهنگی و پذیرش تساوی حقوقی در بین زنان و مردان است و این امر می‌تواند از سیستم آموزشی کشور و تمهیداتی در مورد از بین بردن نگرش مردسالارانه در این سیستم شروع گردد.

۶- نگرانی نسبت به آینده و همچنین نگرانی‌های شغلی در بین دانشجویان، می‌توان به کاهش اعتماد منجر شود، بنابراین مسئولان باید تمهیدات لازم در این خصوص را انجام دهند.

منابع

- ۱- اجاقلو، سجاد؛ زاهدی، محمد جواد. (۱۳۸۴) «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، صص ۱۲۵-۹۲.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی؛ کمالی، افسانه. (۱۳۸۳) «اعتماد، اجتماع، جنسیت» مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۱۳۲-۱۰۰.
- ۳- امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۰) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» نمایه پژوهش، شماره ۳، صص ۱۰-۴۲.
- ۴- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵) «جامعه‌شناسی نظم؛ تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی»، تهران: نشرنی.
- ۵- ریتزر، جورج (۱۳۸۶) «نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر» ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ۶- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶) «اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی» ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر پژوهش شیرازی.
- ۷- شارع پور، محمود. (۱۳۸۰) «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن» نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- ۸- صادقی ده چشمه، ستار. (۱۳۸۸) «سنجش اعتماد اجتماعی و بررسی عوامل مؤثر بر آن در بین مراکز شهرستان‌های استان چهارمهل و بختیاری»، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- ۹- عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۳) «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۶۷-۲۹۲.

- ۱۰- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷) «بنیان‌های نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۱۱- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷) «پیامدهای مدرنیت» ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸) «جامعه‌شناسی» ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷) «تجدد و تشخیص» ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۱۴- محمدی شکیبیا، عباس. (۱۳۷۵) «بررسی عوامل مؤثر بر میزان اعتماد دانشجویان به اشغال‌کنندگان پایگاه‌های اجتماعی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۵- نصرافصفهانی، فاطمه. (۱۳۸۸) «بررسی اعتماد به جنس مخالف در میان جوانان ۱۵ الی ۶۹ ساله شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- ۱۶- وبر، ماکس. (۱۳۶۸) «دانشمند و سیاستمدار» ترجمه احمد نقیب زاده، انتشارات دانشگاه تهران.
- 17- A.M. Zak, Joel A. Gold, Ellem Lenney(1998). Assisment of Trust In Intimate Relatinship and The Self Perception Process. The Journal of Social Psychology, 138(2). Pp 217-228.
- 18- Butler,John K(2001). Gender Differences in General Trust Behavior. The journal of social social psychology, 126(5) , 579-591.
- 19- Cook, K. S. (2001). Trust in Society. New York: Russell Sage.
- 20- Johnson. D, (1993).Reaching out: Intrapersonal effectiveness and self-actualization , Boston, university press.
- 21- Luhmann; Niklas. (1979). Trust and Power. New York: Wiley.
- 22- R. Betts. Lucy, Rotenberg K,en J. (2008). A Social Relations Analysis of Children s Trust in Their Peers across the Early Years of School. Social Development, 17, 4.
- 23- Rotenber.Ken J,Macdonald.Keltie J & King.Emily V.(2002), The Relationship Between Loneliness and Interpersonal Trust During Middle Childhood, The Journal of Genetic Psychology, 165(3), 233-249.
- 24- Seligman. Adam (1998). Trust and Sociobility on the limits of confidence and role Expectation. Emerican Jurnal if Economices and Socioligy. Vol 57. Issue 4.
- 25- Wang, Feixue&Yamagishi,Toshio.(2005), Group-based trust and gender differences in China, Asian Journal of Social Psychology(2005) 8: 199° 210.